

صورت مشروح

مذاكرات مجلس

(بدون مذاكرت اول تو دستور)

اول اسفند ماه ١٣١٢ - ٥ ديقعه ١٣٥٢

شماره مسلسل : ٦٥٩

قیمت اشتراك } مالياتہ
داخله : ٢٥ ريال
خارجيه : ١٠٠ ريال
تک شماره : دو ريال

مطبعة مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه اول اسفند ماه ۱۳۶۲ (۵ ذیحجه ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
(۲) بقیه شور اول لایحه پرگرام ایجاد ۲۵ باب آموزشگارستان
- (۳) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۹ بهمن ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

- ۱ - تصویب صورت مجلس**
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خبر) صورت مجلس تصویب شد.
- ۲ - بقیه شور اول لایحه پرگرام ایجاد ۲۵ باب آموزشگارستان**
رئیس - ماده اول که بکمیسیون معارف ارجاع شده بود کمیسیون اینطور اظهار نظر کرده است :
خبر کمیسیون
کمیسیون معارف با حضور آقای کفیل وزارت معارف تشکیل و پیشنهاد آقایان نمایندگان محترم را در موضوع ابقاء جمله دارالمعلمین و دارالمعلمیات که در جلسه ۲۹ بهمن قابل توجه و بکمیسیون ارجاع شده بود مورد بحث قرار داده چون کمیسیون لفظ آموزشگاه را جامع و با
- اختصاصی که داشت حاوی معنی جمله فوق دانسته لم-ذا با پیشنهاد آقای افسر موافقت نموده اینک خبر آنرا تقدیم می نماید
رئیس - آقای کفیل وزارت معارف
کفیل معارف - بنده عرضی ندارم بسته است بنظر مجلس .
رئیس - خطاب باقی اعتبار چون آقای دکتر طاهری نظری داشتند و فعلاً تشریف ندارند جناب عالی بفرمائید اعتبار - موضوعی که در جلسه قبل راجع به تغییر کلمه دارالمعلمین شد و آقای افسر پیشنهاد کردند که کلمه دارالمعلمین به آموزشگاه تبدیل شود بنده که یکی از مخالفین پیشنهاد ایشان بودم هیچ نظری نداشتم و که آن میبکنم

عین مذاکرات مشروح شصت و پنجمین جلسه از دوره نهم تفهیمیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۵۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان: طوی سبزواری - مخلوچی - وکیل - یونس آقا وهاب زاده - جایچی - کورس - هراز - نازرونی

که همه آقایان هم که رأی دادند و موافقت کردند با کلمه دارالمعلمین هیچ منظوری نبود جز اینکه کلمه آموزشگاه را وافی برای این مقصود و منظور نمیدانستند و الا برای بقاء کلمه دارالمعلمین و دارالمعلمیات هیچ تمسب و منظوری نبود باین جهت يك کلمه دیگری که مقصود را تأمین میکند پیشنهاد شده است و آقای دکتر طاهری پیشنهاد کرده اند که بنظر بنده اگر این پیشنهاد را آقای کفیل معارف قبول فرمایند این منظور یعنی تغییر کلمه دارالمعلمین به لغت فارسی کاملاً مقصود را میرساند و وافی بمنظور است.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری فراتت میشود:

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع رباست دامت عظمة - پیشنهاد میکنم در لایحه آموزشکارستان بجای آموزشگاه نوشته شود دکتر طاهری - بطوریکه در جلسه قبل گفته شد چون کلمه آموزشگاه وافی بمقصود نبود یعنی استفاده معنی دارالمعلمین را نمیکرد در اینجا مخالفت شد و مجلس هم همان نظریه را تأیید کرد حالا هم که در کمیسیون تصویب شده که آموزشگاه باشد بنده هم منقسم که همان عیب را دارد این کلمه و چون آموزگار بمعنی معلم است بنا بر این آنجائی که معلم تربیت میکنند آموزشکارستان باشد بهتر است و منظور را هم میرساند این است که بنده این پیشنهاد را کردم دیگر بنده است بنظر مجلس

کفیل وزارت معارف - همه آقایان بخوبی میدانند که در لایحه که دولت تقدیم کرده بود دارالمعلمین و دارالمعلمیات نوشته شده بود و در اینجا هم که آموزشگاه پیشنهاد شد و بنده هم چون دیدم کلمه فارسی فشنگی است و در این حال هم مقصود اصلی تسریع در عمل بود که این قانون عملی بشود بنده قبول کردم ولی بنده نظری بلفظ ندارم و عقیده دارم مجلس شورای ملی هم وقتش عزیزتر و قیمتی تر از این است که وارد در این قسمتها بشود و امید وارم که اهتمام قطعی را در پروگرام و در دستور این دارالمعلمین قرار بدهیم بنا بر این با این پیشنهاد

چون پروگرام امروزه ما فایده ندارد اگر این مدارس هم با این پروگرام امروزه تشکیل بشود هیچ فایده ندارد يك مثل است معروف که وجود ناقص به از عدم صرف است بنده عقیده ام این است که بعضی اوقات عدم به از وجود ناقص است برای اینکه از وجود ناقص يك مضرتی تولید میشود ولی از عدم ضرری منوجه نیست و این دارالمعلمین و دارالمعلمیات هم اگر چنانچه بعد از این همه مخارج بنا باشد با پروگرام خوبی تشکیل نشود بنده عقیده ام این است که هیچ منفعتی ندارد بلکه ضرر هم دارد حالا اگر قبول فرمایند که جزو ماده باشد چه بهتر و الا بنده مقصودم تذکر است.

کفیل وزارت معارف - بنده خیلی تشکر میکنم از این تذکری که فرمودند ولی تصور نمیکنم که ضرورت داشته باشد که جزو قانون بشود و این وظیفه وزارت معارف است و در اینکه دارالمعلمین هم يك پروگرام خاصی خواهد داشت که هیچ مربوط به پروگرام مدارس نیست و مخصوصاً با تصویب شورای عالی معارف است که محل صلاحیت دار است برای این کار و مطابق او به موقع عمل گذاشته میشود بنا بر این ذکرش در این ماده ضرورت ندارد

طباطبائی دیبا - بنده مسزدمیدارم

رئیس - رأی میگیریم بماده اول با اصلاحی که مخبر و دولت توأمأ قبول کردند. آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - آقایان منشی ها که شماره میکنند به بنده مختلف میگویند و بنده هم نمی توانم اعلان کنم و اظهار عقیده کنم تکلیف چیست؟ خواهش میکنم توجه فرمایند بنده با يك نوع رأی همیشه مخالفت دارم و همه آقایان هم تصدیق دارند رأی منفی بسیار خوب است رأی مثبت بسیار خوب است بین این دو موردی بسیار بد است یعنی رأی دهنده طوری قیام نماید که تشخیص مخالفت

با موافقت برای آقایان منشیان مشکل بشود در هر حال دو باره رأی میگیریم آقایانیکه با ماده اول موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم فراتت میشود. ماده دوم - دارالمعلمین ها و دارالمعلمیات های مذکور در ماده فوق شباتر روزی و مجانی خواهند بود لیکن تا زمانیکه بنای کافی برای آن ها ساخته نشده است وزارت معارف میتواند آنها را موقتاً بصورت مدارس روزانه تأسیس نماید و لدی الاقضا بشاگردان آنها بر طبق مقرراتی خاص خرج تحصیل بدهد.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - در ماده اول يك لغتی بود که بواسطه پیشنهاد آقای افسر تبدیل شد بيك لغت دیگر و بعد پیشنهاد دیگری کردند که لغت دیگری شد که چه باز هم بنده عقیده ندارم که مجلس وضع لغت بکند (صحیح است) مجلس شورای ملی کارش وضع قانون است نه وضع لغت (صحیح است) اگر يك وقتی مجلس شورای ملی تصمیم بگیرد که لغتی که معال فارسی نیست آنرا استعمال نکند بالفتی که مال خارجه است استعمال نکنند در جمیع این لغاتی که فعلاً لفظ معارف ما شده است باید عملی کنند - مثل پروگرام مدرسه مجلس شورای ملی و امثال اینها که خیلی زیاد است بعقیده بنده مجلس شورای ملی مقامش امع از این است که بنشیند و وضع لغت بکند و نباید اینقدر در اطراف اینها صحبت بکند حالا هم باز در این ماده دوم که خوانده شد باز يك لغت بدی بگوش بنده خورد که دارالمعلمین باشد خوب پس باید در تمام مواد مثل ماده اول این لغت تغییر پیدا کنند حالا اگر محتاج باین است که در هر ماده پیشنهاد بشود بنده نمیدانم چطور میشود و اگر بنا باشد که نکنند این هم که نمیشود که در يك جا آموزشکارستان باشد در یکجا دارالمعلمین حالا بنده وارد آن بحث نیستم فارسی تراز غالب نقاط ایران شیراز یزد و کرمان است به تی بیشتر لغات فارسی در آنجا ها معمول و متداول است بنده

یقین فطری دارم که اگر در قسمت دهات شیراز و کرمان بگوئیم آموزشگاه کجاست آنها نمیدانند که این آموزشگاه چیست؛ کجاست؟ میوه است؟ خوراکی است؟ چه چیز است و نمیفهمند پس باید اول يك مدرسه درست کرد که این لغات را اول یاد بگیرند و مانوس بشوند بعد در قانون آورده قانون برای تفهیم و تفهم است نه اینکه بخوانند زویش درس بخوانند در هر صورت بنده عقیده ام این است که تفکیک قائل نشویم و در همه مواد با يك لغت استعمال کنیم که خیال نکنند که در يك ماده يك معنی دارد و در ماده دیگر معنی دیگری دارد

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده شخصاً از کسانی هستم که موافق نیستم با اینکه کلمات عرب را از زبان فارسی خارج کنند آقایانی که روزنامه و مجله میخوانند ملاحظه فرموده اند که در مجله اسبق مهر بنده يك مقاله در این موضوع نوشته ام و خود من یکی از کسانی هستم که این تعصب را ندارم برای اینکه تقریباً ده قرن دوازده قرن ادبیات ما مخلوط بزبان عربی است هر کس این تعصب را داشته باشد بعقیده من تعصب احقرانه است ولی ضمناً اگر بشود بجای يك کلمه عربی یا قرآن کلمه فارسی استعمال کرد بعقیده بنده بدکاری نیست ولی البته باید کاری کرد که کلمه همچو و متروک نباشد بطوری که خیلی از ذهن دور باشد البته کلماتی که نسبتاً مانوس بزبان باشد اگر استعمال کنیم بد نیست بنا بر این بنده خیلی تعجب میکنم که يك کلمه که در جلسه پیش آقای افسر پیشنهاد کردند این قدر مورد قیل و قول باشد بنده خودم هیچ شخصاً اصراری ندارم که بجای کلمه دارالمعلمین آموزشگاه یا آموزشکارستان یا دارالمعلمین باشد هیچ فرقی ندارد ولیکن این چه اصراری است که سایر آقایان میکنند که حتماً این نباشد و علت عمده اش هم این است که خیال میکنند اگر فرض فرمائید عوض دارالمعلمین آموزشگاه باشد این به ایرانیت و ملیت ایران شاید يك جنبه گیری

ماده اول گذشته است شامل تمام مواد هم که در آنجا دارالمعلمین و دارالمعلمات باشد میشود یعنی هر جا که دارالمعلمین و دارالمعلمات است باید آموزشکارستان که آقا پیشنهاد کردند باشد و باز هم اگر کافی نمیدانند آن پیشنهاد اولی آقای دکتر طاهری را ممکن است پیشنهادی فرمائید که در تمام موادی که این لفظ هست آموزشکارستان شود اما بعقیده بنده کافی است.

کفیل وزارت معارف - بنده همچو نفهمیدم از پیشنهاد آقای دکتر طاهری که این لغت را بجای آن لغت روی تمام آنجاهائی که در این لایحه هست بگذارند بنابر این محتاج به پیشنهاد ثانوی نیست و همان کافی است در قسمت اصلاحی هم که فرمودند در خصوص پنجاه هزار تومان مهم صحیح است و باید پانصد هزار ریال باشد.

رئیس - خوب بالاخره آقای مخبر اینطور ماده دوم را تعریف میکنند که آموزشکارستان باشد. رای میگیریم به ماده دوم با اصلاح این قسمت آقایانی که با ماده دوم موافقت دارند قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده سوم قرائت میشود

ماده سوم - دولت مکلف است لااقل نادمسال اعتباری سالیانه که از پنجاه هزار تومان کمتر باشد در بودجه مملکتی برای بنای دارالمعلمین ها و دارالمعلمات ها منظور نموده همه ساله معصرف مزبور برساند.

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - در این لایحه که نوشته شده است برای مدارس فقط اعتبار بنا است ولی راجع به معارف و مخارج این مدارس اعتباری در این لایحه ذکر نشده بنده در کمیسیون بودجه با آقای کفیل وزارت معارف مذاکره کردم فرمودند البته يك دولتی که يك همچو لایحه را آورده است برای بودجه اش هم يك فکری کرده است و در بودجه سال جدید کنجاندن شده ولی يك مطالبی بود که میخواستم عرض کنم و آن این است که غالباً وزارتخانه ها برای تأسیس يك مؤسسه جدید ممکن است

لایحه بیاورند و از تصویب مجلس بگذرد چنانچه در بعضی وزارتخانه ها سابقه دارد اعتبار سنه جدید مثل اعتبار سنه گذشته است بعد می بینند اعتبارشان کافی نیست از بعضی جاها میآیند میزنند آنوقت میگذارند جای دیگر و اضافه میکنند مثلاً برای آن مؤسسه جدید حالا اگر کفیل وزارت معارف حقیقه برای بودجه سال جدید شان مبلغی زیاد شده و عقیده شان این است که مخارج و مصارف این مدارس را از يك جائی بردارند و بجای دیگر علاوه کنند این کار خوبی نیست مثلاً معارف گیلان و کرمان و آذربایجان بیایند بردارند و کسر کنند با سایر ایالات و ولایات کسر کنند برای این مصارف این غلط است و اگر خبر بودجه شان علاوه شده است در سنه آتی اشکالی ندارد و رای میدهم میخواستم توضیحی بدهند که محل اعتبار تأسیس این مدارس کجا است.

کفیل وزارت معارف - تکرانی آقای دیبا هیچ مورد ندارد بهیچوجه ما در نظر نداریم که از جائی کسر کنیم و برای تأسیس این مؤسسات جدید اعتباری بگذاریم با توجهی که دولت بمعارف دارند در قسمت ساختمان يك اعتبار جدیدی مرحمت کرده اند و برای سال آینده این اعتبار بمعرف ساختمان این مدارس جدید میرسد و از آنجا ها تأمین خواهد شد و بهیچوجه از سایر مخارج کاسته نخواهد شد.

رئیس - آقای میرزائی

میرزائی - پیشنهاد آقای دکتر طاهری بعقیده بنده يك قسمتش کوتاه بود برای اینکه در این ماده سوم تعیین شده است يك قسمت مخارج برای دارالمعلمین و دارالمعلمات و آموزشکارستان این مقصود را نمیرساند مگر اینکه در پیشنهادشان اضافه فرمائید زقانه و مردانه والا این نمیرساند چون يك قسمت برای دارالمعلمین است و يك قسمت برای دارالمعلمات.

مخبر - اصلاحی که در این ماده شده است منظور تغییر در اصل موضوع بوده بلکه فقط منظور این بوده است که يك لغات خوب فارسی که در دسترس داریم

آنها را بگذاریم و بجای کلمات دیگر اصطلاح کنیم اینجا هم چون آموزشکارستان فارسی است و در فارسی هم دیگر تأیید و تذکر نیست از این جهت لزومی ندارد و خوب است که حضرتعالی پیشنهاد خودتان را استرداد بفرمائید

رئیس - پیشنهادی از آقای معذل رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای معذل

اصلاح ماده سوم را بشرح ذیل پیشنهاد مینمایم: دولت مکلف است اعتبار ساختمان آموزشکارستانها را در بودجه ده ساله تأمین نماید و هر سه ساله به مصرف مزبور برساند.

بصره - دولت مکلف است هر شهری که بلدیه آن آموزشکارستان مطابق نقشه وزارت معارف بخرج خود ساخت آنرا مقدم داشته دائر نگاه دارد.

رئیس - بفرمائید

معذل - اگر صرف نظر از قدمت دارالمعلمین و آموزشکارستان بکنیم خود موضوع اساساً قابل بحث است و بعضی جاهایش را میشود فکر کرد که بهتر بگذرد و خاطر محترم آقای کفیل وزارت معارف را متوجه کنیم که برای آئیه و تأمین ساختمان آنها يك فکر بهتری بشود در ماده سوم موضوع ساختمان آموزشکارستانها است از نظر ضیق امور مالی با اینکه بیشتر نداشته اند مثلاً در این قسمت بکنجاند پنججاه هزار تومان در هر سال منظور شده است در حالتیکه در مواد قبلی تذکر داده شده است که انلا سالی پنج باب آموزشکارستان ساخته شود با اطلاعی که آقایان محترم هر يك از وضعیت بنائی چه در طهران و چه در ولایات دارند میتوان تصدیق کرد که با پنججاه هزار تومان نمیشود پنجباب آموزشکارستان ساخت و در نتیجه يك موضوع غیر عمل میشود بنده در پیشنهادم اینطور تذکر دادم که دولت مکلف باشد اعتبار ساختمان آموزشکارستانها را ده ساله در بودجه خودش بکنجاند حالا هر مبلغ هست البته هر وقت دولت بکیش و ساخت و خرجش را فهمید

چقدر است سنوات بعد برای اینکه مکلف است که این آموزشکارستانها را بسازد البته تأمین خواهد کرد ولی يك قسمت دیگر را هم بعنوان بصره پیشنهاد کردم و آن این است که اگر يك شهری با پول خودش بلدیه اش يك آموزشکارستانی ساخت و حاضر شد آنرا تقدیم معارف آن شهر نمود یعنی بسازد عمارت را و بدهد یاداره معارف وزارت معارف مکلف باشد آنرا مقدم بدارد و دائر نگاه دارد و ظهور میکنم از نظر این که بلدیه ها نسبت به معارف مملکتی و حوزه های خودشان علاقه دارند و يك وظائفی دارند يك خرج بی جا نمی تکرده اند و از طرفی نظر باین که شهرها به معارف علاقه مندند و برای دانش خودشان و نقل آئیه خودشان يك خرجهایی میکنند از این جهت هم بلدیه ها حاضر شوند و از طرفی يك کمک به بودجه معارف مملکتی میشود و زودتر ساختمان این بناها تمام میشود و وزارت معارف هم برای نگاه داری آنها مکلف خواهد بود باین طریق زودتر موضوع عملی می شود.

کفیل وزارت معارف - در ماده دوم نوشته شده است که دولت يك مدرسی تأسیس نماید و مقصود این است که عمارت را بنا کند البته بقدری که وسائل در دست هست به تناسب همان وسائل اقدام ساختمان خواهد شد و در ماده سوم يك کلمه هست و آن کلمه نیست آقای نماینده محترم را تأمین میکنند و آن کلمه لا اقل است یعنی کمتر نباشد و اینجا هم قید میکنیم و البته وقتی که دولت این را حد اقل اقدامات خودش قرار بدهد حد اقلش این خواهد بود که نظر آقا تأمین بشود بنا بر این بنده عقیده ام این است که پیشنهاد خودشان را مسترد بدارند.

معذل - پس میگیرم

رئیس - رأی میگیریم با اصلاح جمله پنججاه هزار تومان به پانصد هزار ریال آقابانیکه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود: ماده چهارم - آموزشکارستان عالی برای مدارس متوسطه و آموزشکارستان های مقدماتی معلم و معلمه که از این بیمد آموزشکار نامیده خواهند شد تربیت می نمایند. شرط ورود اصلی باین مدارس عالی داشتن تصدیق فراغ از تحصیل از آموزشکارستان مقدماتی با تصدیق متوسطه کامل میباشد دوره تحصیلات آنها سه سال و دیپلم ختم تحصیلات آنها علاوه بر مزایای اختصاصی معادل بالبناس و دارای تمام امتیازات قانونی آن خواهد بود.

بصره - فارغ التحصیلهای مدارس عالی خارج که در رشته علمی تحصیل نموده و لا اقل دارای دیپلم لسان باشند از مزایای این قانون نسبت به آموزشکاران استفاده خواهند نمود.

رئیس - اشکالی نیست؟ (اظهاری نشد) آقابانیکه موافقت قیام فرمایند.
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود: ماده پنجم - آموزشکارستان های مقدماتی برای مدارس ابتدائی معلم و معلمه که از این بیمد مری نامیده خواهند شد تربیت مینمایند. شرط اصلی ورود باین مدارس تحصیلات سه ساله اول متوسطه و دوره تحصیلات آنها دو سال و شهادتنامه فراغ از تحصیلات آنها علاوه بر مزایای اختصاصی معادل با تصدیق متوسطه کامل و دارای تمام امتیازات قانونی آن خواهد بود.

بصره ۱ - هر يك از آموزشکارستان های مقدماتی يك مدرسه ابتدائی ضمیمه خواهد داشت که متعلمین سال دوم در آنجا تمرین و مهارت خواهند نمود.

بصره ۲ - مریبانی که دارای تصدیق نامه فراغ تحصیل از آموزشکارستان هستند چنانچه بآخذ تصدیقنامه مذکور نائل شوند با امتحانات علمی و عملی معادل آن بر طبق نظامنامه مخصوص بدهند مشمول این قانون خواهند بود.

رئیس - پیشنهادی از آقای کاشف رسیده است قرائت می شود:

ابن جانب بصره ذیل را بماده پنجم پیشنهاد مینمایم آموزشکارستان های ابتدائی علاوه بر رتبه مری برای تدریس در مدارس ابتدائی دارای شعبه خواهد بود که مریبان مقدماتی برای مدارس مقدماتی سه کلاسه (دهات و قصبات) تهیه خواهد نمود. شرط ورود بساین شعبه داشتن تصدیق فراغ تحصیل از مدارس ابتدائی می باشد دوره تحصیلات مریبان مقدماتی فقط یکسال خواهد بود رئیس - آقای کاشف

کاشف - بطوری که آقای دشتی در آن جلسه قبل فرمودند راجع به مدارس ابتدائی البته تصدیق مینمایند که ما در درجه اول احتیاج مریبانی داریم و در درجه دوم مدارس عالی. ما برعکس اهمیت فوق العاده قائل شده ایم برای مدارس متوسطه. دارالمعلمین هم یعنی برای تهیه معلم جهت مدارس متوسطه. مدرسه متوسطه هم تهیه عمل میکنند برای مدارس عالی اما حالا مدارس متوسطه شده است برزخ اینطور که عمل می رود مدرسه را تمام میکنند برای اینکه تصدیق سبک اول یادوم متوسطه را فقط داشته باشد نتیجه چیست؟ اگر مفید نباشد مضر است که هست برای اینکه از این جا مانده و از آنجا رانده است مدرسه را نتوانسته است بیابان برساند و يك معلوماتی را هم بطور ناقص یاد گرفته است و يك افکار جدیدی در کله او نرساند کرده است که دیگر عقب کسب و کار نمیشود عقب شغل آزاد نمیرود نظر بنده این بود که دارالمعلمین یا آموزشکارستان کارشان دو قسم باشد مقدماتی و ابتدائی یا مقدماتی و رشدی بدین معنی که يك معلمین و معلمانی تهیه کنیم برای مدارس سه کلاسه مخصوص دهات و قصبات يك معلمین و معلمانی هم تهیه بشود برای مدارس شش کلاسه شهرها این البته نظر بنده است که دارالمعلمین مقدماتی برای تهیه آموزشکار با مریبانی است برای کلاسه های ابتدائی شهرها آنوقت که ما در دهات مدارس شش کلاسه نخواهیم داشت بلکه در قراء و قصبات يك مدارس سه کلاسه خواهیم داشت و برای معلم در این مدارس احتیاج باین است که دارای تصدیق سبک اول متوسطه باشند و

دو سال هم در آوزگارستان مشغول باشند این بود که بنده نظرم این بود که دارالمعلمین ابتدائی با آوزگارستان ابتدائی را هم در قسمت کنیم ابتدائی ورودی یا مقدماتی و ابتدائی که يك سلسله معلم تهیه کنیم برای دهات و قصبات و يك سلسله هم معلم برای مدارس شش کلاسه شهرها يك پیشنهادی هم که تهیه شده بود برای ماده دوم که عرض کردم و فراموش شد قرائت بشود و آن این بود که در مورد آوزگارستان شبانروزی نظر این بود که برای دخترها غیر شبانه روزی مفید نیست برای این که با وضعیت امروزه مملکت اعزام معلم از نقطه بنقطه دیگر فرق المادة مشکل است منظور این بود که چون مال دختران شبانروزی باشد بهتر است که از دهات و قصبات و شهرهای کوچک بفرستند يك عده دخترها را که بیایند و تربیت بشوند و برگردند بمحل خودشان و این را البته تصدیق می فرمائید که با وضعیت فعل اعزام دخترها خیلی مشکل است این را بنده پیشنهاد کردم و نمی بینم که توجه فرمائید که اشخاصی که میخواهند بشغل معلمی ادامه بدهند از دهات و قصبات و شهرهای کوچک بتوانند بیایند مدرسه و بعد هم برگردند و اصولاً خوب است با این قسمت موافقت فرمائید و عملاً مطلب را قبول فرمائید و بطور کلی آوزگارستان ابتدائی هم بر دو قسمت باشد مقدماتی و ابتدائی يك قسمت معلم تربیت کند برای مدارس شش کلاسه يك قسمت هم برای مدارس سه کلاسه قراء و قصبات و دهات.

کفیل وزارت معارف - در قسمت مدارس ابتدائی و تعلیمات ابتدائی مطابق سیستم فعلی که در دست است این است که شش سال قائل شدیم برای تعلیمات ابتدائی منتهی این شش سال تعلیمات ابتدائی در شهرها و قصبات و قراء قری می کند البته در شهرهای بزرگ شش سال تعلیمات ابتدائی مطابق پرگرام عمومی وزارت معارف است و در قصبات و قراء و دهات يك قسمت از تحصیلات فلاحی است و اطلاعات فلاحی بآنها میدهند و اطفال

یاد میگیرند و این هیچ مربوط باین لایحه نیست که نماینده محترم فرمودند نسبت بمدارس دهکده (اگر میخواهیم اصطلاح قانون را رعایت کنیم باید بگوییم مدارس دهکده) برای آن مدارس باید معلم مخصوص تهیه و تربیت بشود که آشنا بطور فلاحی باشد و باین جهت وزارت معارف هم در نظر دارد که یکمده معلم که آشنا باین قسمتها باشند برای این مدارس تهیه و تربیت نمایند که عده از آنها بایستی در مدرسه فلاحی کار بکنند و برای این قسمت هم يك مقدماتی تهیه شده است یعنی تهیه عده معلم برای مدارس فلاحی دهکده و چوب نظر نماینده محترم در این قسمت تأمین است گمان نمیکنم که وضع این پیشنهاد در این ماده ضرورت داشته باشد بنا براین خواهش میکنم که استرداد فرمائید.

کاتب - بنده مسترد میکنم.
رئیس - رأی میگیریم بماده پنجم آقایی که موافقت دارند قیام فرمائید (اغلب قیام کردند) خوب شد ماده ششم قرائت می شود:

ماده ششم - رؤساء و معلمین آوزگارستان عالی باید علاوه بر شرایط مقرر در فقرات يك رسه و چهار ماده دوم قانون استخدام کشوری لا اقل سی سال داشته و بدرجه دکترا رسیده باشند لیکن برای رؤساء و معلمین آوزگارستانهای مقدماتی حد اقل سن ۲۵ سال و حد اقل درجه علمی در داشتن تصدیق فراغ تحصیل از آوزگارستان عالی یا دیپلم لیسانس خواهد بود.

تبصره - مادامی که وزارت معارف بعد از کافی مستخدمینی که واجد تصدیقهای علمی مذکور در این ماده باشند در اختیار خود نداشته باشد میتواند کسانی را که اطلاعات و مقام علمی آنها را کافی میداند بریاست و معلمی این مدارس بکاربرد لیکن انتصاب اینگونه اشخاص بان مشاغل آنها را مشمول مقررات مواد یازده - دوازده - سیزده - چهارده این قانون نخواهد نمود.
رئیس - آقای افشار

افشار - عرض کنم که منظور بنده يك تذکری است راجع به...
رئیس - آقایان جا فرمائید برای تقدیرها مشکل است
افشار - منظور بنده يك تذکری است راجع بکلمه دکترا. ما که قبلاً اونیورسیتیه مخصوص (یکی از نمایندگان - فارسی فرمائید - دانشکده) بل تعاریم که منحصبتی در آنجا تربیت بشوند و دکتر بشوند از این جهت این کلمه دکترا که اینجا نوشته شده است لابد مفهومش نسبت بدکتر هائی است که از خارجه می آیند و این نیز با این لقب و عنوان را برای خود می گیرند و بایران می آیند و چون در خارجه این کلمه دکترا مفهوم مختلفی دارد مثلاً در فرانسه اگر يك شخصی بخواهد دکترا بشود واقعاً باید در آن قسمت متخصص باشد و زحمات خیلی زیادی کشیده باشد و يك تزی بشوید (یکی از نمایندگان - رساله) که در آن تزی يك کشفیاتی و تحقیقات علمی کرده باشد نسبت بان موضوعی که چیز نوشته است ولی در آمریکا و آلمان کلمه دکترا این معنی را نمیدهد و در آن جاها بسهولت این دیپلم دکترا را باشخاص میدهند حتی در دارالفنونهای ولایاتی آمریکا که خیلی سهل ساخته شده است و تقریباً درجه علمی آنها از درجه متوسط ما بیشتر نیست در آن جاها دیپلم دکترا را بکسانی میدهند که فقط چند ماهی بروند در آن دارالفنون و استماع درس بکنند و کوش بدهند بان کنفرانسهها و فوراً باخذ دیپلم دکترا قائل میشوند در صورتیکه این اشخاص ابدأ لیاقت ندارند که در يك دارالمعلمین عالی یا يك آوزگارستان بزرگ درس بدهند یا بتوانند در آنجا ریاست نمایند (صحیح است) بنظر بنده این کلمه يك کلمه خیلی مبهمی است و باید تشریح بشود و مخصوصاً بنده تصور می کنم که چون ما این درجه را فعلاً در قسمت معارف خودمان نداریم یعنی وزارت معارف ما يك همچو رتبه و درجه را ندارد بهتر این است که يك کلمه دیگری بجای این بگذاریم که درآینده اسباب اشتباه و زحمت نشود و بشویند متخصصین عالی مقام

یا يك کلمه دیگری البته آقایان يك کلمه جدیدی میتوانند بجای این کلمه بگذارند تا اینکه اشتباه نشود و قردا ممکن است هر شخصی چند ماهی برود و در آمریکا بماند یا در آلمان بماند و نائل بدرجه دکترا بشود (صحیح است) و برگردد بایران و بگوید که من لیاقت دارم در دارالمعلمین عالی تدریس کنم یا مدیر باشم در صورتیکه ابدأ آن لیاقت را نخواهد داشت (صحیح است) از طرف دیگر بنده تذکر میدهم که ما در همین کلاسهای ادبی که داریم البته ادبیات فارسی هم تدریس میشود و البته بکنفر معلم متخصص در ادبیات فارسی که نمی تواند درجه دکترا را از آمریکا یا جای دیگری گرفته باشد (صحیح است) پس در این صورت ما نباید درس ادبیات فارسی یا ادبیات عربی یافته اسلامی یا فلسفه شرقی را این جا بدهیم در صورتی که اینهم لازم است و آیا اینها هم باید دکترا خارجه باشند؟ (صحیح است) پس در این صورت بنظر بنده چون این کلمه دکترا خیلی مبهم است (افسر - صحیح است) و چون در ملک مختلفه معانی مختلفی دارد (صحیح است) و تطبیق نمی کند با درجات علمی (صحیح است) از این جهت بنده پیشنهاد میکنم که يك لغت دیگری بجای آن گذارده شود که این در آیه تولید اشتباه نکند و از طرف دیگر بنده خودم در فرانسه تحصیل کردم يك معلمی داشتیم که هیچ رتبه اونیورسیتیه بقول فرانسوی ها نداشتند ولی اگر آنها را مقایسه می کردیم با درجه علمی آن کسانی که درجه دکترا و شاید اگر کاسیون گرفته بودند اینها بیشتر از آنها اطلاعات و معلومات داشتند زیرا اینها تحقیقات علمی شخصی کرده بودند و مقام علمی شان اینها بالاتر از دکترا هائی عالی دارالفنونها و اونیورسیتیه های فرانسه بود (صحیح است) و همین اشخاص را که رتبه و درجه دکترا و غیر ذلک را نداشتند آورده بودند و در مدارس ما درس میدادند و واقعاً هم خیلی عالی مقام بودند و از علماء بودند پس این درجه دکترا چون يك فضل علمی را نشان میدهد ولی اشخاصی که فاقد این دیپلم هستند

نباید گفت که این اشخاص نباید درس بدهند (اگر - صحیح است) اگر چه متخصص هم باشند و اگر چه زحمت علمی در قسمت کار خود کشیده باشند (صحیح است) و بنظر بنده اگر بجای دکتر متخصص در فن و رشته مخصوصی که میخواهند تدریس کنند بگذاریم بهتر است که در آئیه هم اسباب اشکال نخواهد شد (صحیح است)

کلید وزارت معارف - بنده عقیده دارم که هیچوقت نباید در کلمه مبهم صحبت و بحث شود در قانون نوشته شده مثلا بنویسیم متخصص عالی مقام و امثال این کلمات ممکن است در آئیه اسباب اشکالی بشود و تحصیلات عالی به یکطور است که اول درجه انی لیسانس است بعد بدرجه دکتری میرسد و چون کلام لیسانس در جاهای دیگر قید شده است بنابراین اشاره باین تقسیم و درجه شده است و از هرگونه اشکالی که آقای افشار کردند احتراز خواهد شد بنابراین همین ترتیبی که نوشته شده است

بمصلحت نزدیکتر است و در آئیه هم این رعایت خواهد شد که اشخاصی که در آنجا پذیرفته میشوند تحصیلات عالی شان بعد کمال رسیده باشد و هیچ زحمتی هم برای ما البته تولید نخواهد شد

اگر - راجع بمنظومین ادبیات چه ؟

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - چند نفر دیگر از آقایان اجازه خواسته اند

که در این ماده حرف بزنند ولی يك قسمت زیادی از

آقایان پیشنهاد کرده اند که برای کار های لازم تری که در

خارج جلسه باید بعمل بیاید جلسه را تعطیل کنیم (صحیح

است) بنابراین اگر اجازه بفرمائید جلسه را ختم کنیم

(صحیح است) جلسه آئیه يكشنبه ششم اسفند ماه

به ساعت قبل از ظهر دستور هم لوائح موجوده

(صحیح است)

(مجلس يك ساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر